

معنای زندگی در مبارزه - یاشار سهندی

صفحه ۲



حضور مردم در خیابان؛ رعشه مرگ بر پیکر حکومت

مهران محبی، صفحه ۷

گزارش کمیته حقیقت یاب، بازتاب قدرت مردم

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۴

واکنش های سران جمهوری اسلامی نسبت به تهدیدات جدید ترامپ - مهران محبی

صفحه ۶

لیست شماره ۶ کمپین مالی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۲

تجمع کشاورزان اصفهان و معدن نیتانیوم کهنوج

و اخبار تکمیلی از اعتراض کارگران نی بر نیشکر هفته تپه، صفحه ۸

بیانیه جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، و اعتراضات کارگران نفت در مورد مزد

صفحه ۱۳

ادامه اعتراضات کشاورزان اصفهان، کارزار سه شبه های نه به اعدام

صفحه ۱۳

بارشهای شدید بهاری، سیلاب در چند استان و آسیب دیدگی مردم

صفحه ۱۵

احضار فعالین کارگری و اجتماعی در سندانج

با تشدید اعتراضات، سرکوبگریهای حکومت را خنثی نماییم، صفحه ۱۶

دایه احترام شکوری مادر زندانی سیاسی ناهید خداجو جانباخت

یادش گرامی باد، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۷

۱۱ فروردین ۱۴۰۴

۲۶ مارس ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

علی ربیعی: "بعد از چهار

سال نوبت کسی نیست"

کاظم نیکخواه، صفحه ۱۰

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد

واحد خوزستان کمیته

سازمانده حزب کمونیست

کارگری، صفحه ۱۱

مردم غزه علیه حماس به

خیابان می آیند! صفحه ۱۴

ادامه اعتراضات

کشاورزان اصفهان

صفحه ۱۴

مراسم های هزاران نفره

نوروزی و وحشت حکومت و

دستگیریهها صفحه ۱۴



معنای زندگی در مبارزه - یاشار سهندی

"... ما هر موقع که مبارزه کردیم، زندگیمون خیلی بهتر و معنادار تر بوده..." این پیام یوسف بهمنی یکی از نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفته تپه، در آستانه بازنشستگی به هنگام ثبت آخرین خروج اش است. و حضور او و امثال او بی شک به مبارزه کارگران در ایران و بخصوص کارگران نیشکر هفت تپه معنای خاص بخشید. یوسف بهمنی با آن صدای گرمش که حق کارگر را مطالبه میکرد، انصافاً زندگی و مبارزه کارگران را با معنا تر کرد.

بازنشستگی یوسف بهمنی همزمان شد با پایان سال و شروع سال جدید، و پیام او باید و میتواند سرلوحه مبارزات ما در سال جدید باشد؛ که در واقع ادامه مبارزاتی خواهد بود که در سالهای گذشته رخ داده و رنگ انقلاب، انقلاب زن زندگی آزادی را به خود گرفته است.

سال ۱۴۰۴ شروع شد. نه آنگونه که "تصمیم سازان" میخواستند، مردمی مستاصل و گرفتار در گرداب عمیق فقر و فلاکت. بلکه با وجود آوار هر چه مصیبت و بدبختی، عید نوروز فرصتی شد که مردم ایران نشان دهند که نه تنها مستاصل نیستند بلکه هدف شان سرنگونی حکومت است. در این راستا پیشاپیش زن و مرد دست در دست همدیگر بر گرد آتش هارقصیدند و به جشن و پایکوبی برخاستند و به سلامتی همدیگر، حتی در کف خیابان جامها را بر هم زدند تا سال ۱۴۰۴ سال سرنوشت ساز در تاریخ معاصر ایران بشود. و چقدر این صحنه ها زیبا و باشکوه بود که از نزدیک پیش از سرنگونی حکومت مشاهده شد. و دیدیم که چگونه نیروهای امنیتی در خودروهای خود حبس بودند و نگاه خلا وارشان به اعماق مغاک بود که در انتظارشان است. صحنه هایی که باز هم انتظار میرفت بعد از سرنگونی حکومت اتفاق بیفتد و در زمان حاکمیت این رژیم سفاک روی داد.

عباس عبدی، یکی از پیش باخترگان حکومتی در یک اظهار نظر به این واقعیت اینگونه اشاره کرده است: "وقت قانونی این بازی حذفی تمام شده و امسال وارد پناهی ها شده ایم. یا می رویم به مرحله بالاتر یا حذف می شویم." یک اصلاح طلب شکست خورده نمی تواند اقرار کند که جمهوری اسلامی بازی را کاملاً باخته است. بازی را به مردمی باخته که تصمیم گرفته اند آنگونه که میخواهند زندگی کنند. مرحله بالاتر برای جمهوری اسلامی گوری است که دهان باز کرده تا او را بلعد.

جشن و شادمان همگانی هم به ابزار مهم مبارزه علیه حکومت اسلامی سرمایه تبدیل شده است. از زندان و شکنجه و یگان ویژه و باطوم و گلوله و گاز اشک آور ناامید شده اند، چماقهایشان را در ارومیه روی سر چرخاندند و نتیجه ای نداشت جز اینکه نفرت مردم را از مذهب و حکومت مذهبی عمیق تر کنند. امام جمعه شهر نیشابور درخواست تخریب مقبره خیام را داده است، جرات دارند یک چکش بر آن بزنند تا مشاهده کنند که چگونه حکومت شان ویران خواهد شد.

در این میان رسانه های اپوزیسیون راست هم سوء با جمهوری اسلامی سعی در ایجاد توسعه وحشت از جنگ و تحریم و حمله ترامپ و ناتانیاهو را دارند. بسیار تلاش میکنند که با وعده اینکه یک لمین میلیاردی که هدف اصلی اش حمله به سطح معیشت مردم امریکا است تا تولید را برای سرمایه داران در امریکا به صرفه کنند، برای نجات مردم ایران و حفظ تمامیت ارضی ایران، جمهوری اسلامی را با بمباران سرنگون خواهد کرد. با این تدبیر آبی سرد بر آتش مبارزات مردم پیاپی و به خیال ابلهانه خود مردم را در انتظار نگه دارند؛ که ترامپ حمله خواهد کرد و نیروهای نفوذی موساد در بالاترین سطح حاکمیت گرفته تا فلان دست های مزدور منظر سوت آغاز سرنگونی توسط دولت امریکا هستند تا قدرت را بدست گیرند. این داستان، از آخرین خیال بافی های شهرام همایون است. خیال بافی هایی آگاهانه که سعی دارد مردم به خیابان آمده را به خانه برگرداند و از مطالباتشان برای یک زندگی

بهرتر دست بردارند و بگذارند "تصمیم سازان" کارشان را بکنند.

زندگی برای ما مردم بسیار با معنا تر شده است، چون همگان در مبارزه شرکت دارند. و این حضور همگانی پیش از هر نیرویی تصمیم سازان را به هراس می افکند. ما همانگونه که یوسف بهمنی در مورد هفت تپه تاکید داشت هر وقت مبارزه کردیم روزهای خوبی داشتیم، چون در آن ایام است که همدیگر را می یابیم و به قدرت خود پی میبریم. و این را بارها در مقاطع مختلف به صورت سراسری تجربه کرده ایم. و همین مبارزات باعث شده که مطالبات ما در سطح نماند و بیشتر از پیش آگاهانه و هدفمند شود که در منشورهای مطالباتی مختلف، در بیانیه های مختلف و در پیامهای منفرد این مطالبات مطرح شده است؛ و این همه نشانگر این است که قرار نیست ما مردم با وعده سرخرمن به خانه برگردیم.

مبارزات ما مردم با معنا تر شده است چرا که خواستهایی که در مانیفست اعلامی حزب کمونیست کارگری فرموله گردیده است، به اشکال مختلف در گوشه و کنار این مملکت در هر جا که مبارزه بوده فریاد کردیم؛ خواستهایی که به جنبش ما برای سرنگونی عمق بخشیده است و رئوس آن عبارتند از:

- ۱- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم
- ۲- انحلال فوری کلیه نهادها و نیروهای جاسوسی، امنیتی، سرکوبگر مسلح و شبه مسلح حکومت.
- ۳- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و تمام قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی.
- ۴- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در انقلاب جاری و در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند. پیگرد بین المللی مقامات فراری حکومت.
- ۵- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان شان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند، بازگرداندن اموال و دارایی های به سرقت رفته کشور که توسط سران و مقامات حکومتی به خارج کشور برده شده و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه.
- ۶- ممنوعیت مجازات اعدام. اعدام قتل عمد دولتی است و مطلقاً در هیچ شرایط و تحت هیچ بهانه و برای هیچ جرمی نباید اعمال شود.
- ۷- آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی. پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی و عقیدتی. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین از جمله اعتراف اجباری مطلقاً ممنوع است.
- ۸- لغو حجاب و هر نوع پوشش اجباری مذهبی. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.



معتبر، آنها را به فروش می‌رسانند. این وضعیت، مشکلات زیادی را برای بیماران به‌ویژه در زمینه درمان بیماری‌های خاص ایجاد کرده است.

یکی از منابع درآمد نجومی برای دار

و دسته‌های رژیم "بیزینس" داروهای بی‌کیفیت و قاچاق است. سال‌های سال است که مافیای اسلامی به معنای واقعی خون بیماران را در شیشه کرده‌اند. مافیای اصلی دارو شرکت‌های دارویی وابسته به حکومت هستند که با رانت‌های ارزی میلیاردی به‌جای واردات دارو، به خرید و فروش دلارهای ارزان در ایران و دبی مشغول بوده و هستند.

یکی از اهداف اساسی انقلاب زن زندگی آزادی رایگان شدن تمامی امکانات درمانی و بهداشتی در ایران است. این امر کاملاً امکان‌پذیر و عملی است. از سوی دیگر با تغییر سیستم درمانی به سیستم‌های پیشگیرانه، هزینه‌های کلانی که صرف مسائل درمانی و بخصوص هزینه‌های دارویی می‌شود به درجات بسیار زیادی می‌تواند تقلیل پیدا کند. با رویکردی مدرن و انسانی به‌ویژه رویکرد پیشگیرانه می‌توان صنعت سلامت را در ایران بر اساس تأمین سلامتی همه شهروندان دگرگون کرد. تحقق چنین هدفی در گرو پایان دادن به مافیای اسلامی حاکم است.

مندرج در ژورنال شماره ۹۹۸

مافیای اسلامی دارو، دلان مرگ! - سینا پدram

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی شیراز اعلام کرد که یک شبکه تولید و توزیع داروهای تقلبی ضدسرطان منهدم شده است. این داروها که در بسته‌بندی مشابه داروهای مونوکلونال آنتی‌بادی‌ها بودند، در بازار سیاه تا ۱۵۰ میلیون تومان به فروش می‌رسیدند. در همین راستا، بحران کمبود دارو در ایران تشدید شده است، به‌ویژه برای بیماران خاص و سرطانی که واردات دارو برای این بیماری‌ها با مشکلات زیادی مواجه است. توقف پروازهای اروپایی، از جمله به آلمان، موجب کاهش واردات دارو و تشدید بحران شده است.

به دلیل کمبود دارو، بیماران تنها می‌توانند داروهای خاص را از داروخانه‌های خاص با تأیید پزشک و تنها در زمان‌های خاص تهیه کنند. بیماران سرطانی، برای تهیه دارو مجبور به خرید از بازار سیاه شده‌اند. بازار زیرزمینی دارو که مخلوطی از داروهای تقلبی و واقعی است، به دلیل دست‌داشتن مافیای اسلامی دارو شکل گرفته است. برخی شرکت‌های دارویی و داروخانه‌ها برای کسب سود بیشتر، داروها را به بازار سیاه می‌سپارند. در خیابان ناصرخسرو تهران و کانال‌های تلگرامی، فروشندگان داروهای تقلبی و واقعی را با قیمت‌های متفاوت عرضه می‌کنند. برخی فروشندگان داروهای خارجی را وارد کرده و در شیشه‌های خالی و با لیبل‌های مشابه شرکت‌های

معنای زندگی در مبارزه...

از صفحه ۲

۱۹- مقابله با آلودگیها و تخریب محیط زیست. این حق همه شهروندان و نسلهای آتی است که از هوای پاک و سالم، آب پاک، مواد غذایی سالم و زیستن در یک طبیعت سالم و امن برخوردار باشند.

۲۰- برخورداری همگان از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان.

۲۱- تأمین فوری مبرم‌ترین نیازهای رفاهی جامعه. تعیین حداقل دستمزد و افزایش دستمزد با دخالت مستقیم نمایندگان تشکل‌های کارگری در مقیاس سراسری. بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم. تأمین معیشت کلیه افرادی که فاقد درآمد کافی هستند.

۲۲- رفع هر گونه تبعیض علیه رنگین‌کمانی‌ها (جامعه LGBTQ+) افراد با هر گرایش جنسی می‌توانند زندگی مشترک داشته باشند. ازدواج رنگین‌کمانی‌ها باید به رسمیت شناخته شود.

۲۳- آزادی همه شهروندان در مناسبات و روابط شخصی و خصوصی. برسمیت شناسی ازدواج مدنی و

"ازدواج سفید". کلیه افراد بزرگسال، اعم از زن و مرد با هر گرایش جنسی، در تصمیمگیری در مورد ازدواج و طلاق و زندگی مشترک با یکدیگر، و در روابط جنسی خود با سایر افراد بزرگسال کاملاً آزادند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچ‌کس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲۴- زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. اجرا یا عدم اجرای مراسم خاص، اعم از شرعی و عرفی، برای ازدواج نقشی در رسمیت آن و مقام آن در برابر قانون ندارد.

با بدست گرفتن چنین مطالباتی و جدال جانانه مان با حکومت جنایت و کشتار زندگی ما معنای متفاوتی یافته است.

و در ادامه چنین جدال با شکوهی است که در جشن‌های نوروز امسال نیز بار دیگر فریاد زن زندگی آزادی سر داده شد و این پیام روشنی است که جامعه ایران با وجود مصیبت حاکم، زنده و پویا بدنبال رهایی خویش است، چرا که "انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی است مدرن و پیشرو، چپ، آزادیخواهانه و عمیق."

۹- برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام حقوق و شئون اجتماعی، مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۰- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و پاتیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی.

۱۱- لغو مذهب رسمی. آزادی کامل مذهب و بی‌مذهبی به عنوان عقیده و امر خصوصی افراد.

۱۲- ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت‌ها و نهادها و فرقه‌های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی.

۱۳- اعلام و تضمین آزادی بی‌قید و شرط بیان و اندیشه، اعتصاب، اعتراض، تجمع، تشکل و تحزب. آزادی رسانه‌ها، آزادی استفاده از مدیای اجتماعی.

۱۴- برسمیت شناسی بی‌قید و شرط حق تشکیل سازمانهای صنفی و مدنی، اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل از دولت برای کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارکنان ادارات و بطور کلی همه مردم.

۱۵- تأمین رفاه و حرمت و شادی کودکان. مصونیت کودکان و افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی. ممنوعیت حجاب کودکان. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. تضمین حق هر کودک به یک زندگی شاد، ایمن و خلاق. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی و سطح درآمد خانواده.

۱۶- لغو تبعیض و ستم ملی، قومی و اتنیکی. برسمیت شناسی حقوق برابر برای همه شهروندان در همه مناطق و استانهای کشور.

۱۷- برسمیت شناسی حق تحصیل و فعالیت ادبی و هنری و رسانه‌ای به زبان مادری و ایجاد امکانات لازم برای این امر.

۱۸- لغو کلیه تبعیضات و نابرابریهای مذهبی و جنسیتی و حقوقی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. باید همه مردم به عنوان انسان از حقوق و موقعیت و امکانات اقتصادی-اجتماعی کاملاً یکسانی برخوردار باشند.



گزارش کمیته حقیقت یاب، بازتاب قدرت مردم

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

نشست سالیانه شورای حقوق بشر در ژنو، به تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۵ خود شاهد ارائه گزارش خانم مای ساتو بود که بعد از آقای جاوید رحمان، ایشان عهده دار سمت "گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران" هستند.

محتوای گزارش خانم مای ساتو حاوی نکات قابل توجهی از ابعاد جنایتبار نقض حقوق بشر در ایران است. این گزارش از جمله به مواردی همچون افزایش تعداد اعدام‌ها- از جمله اعدام کودکان-، نقض حقوق و سرکوب گروه‌های قومی و مذهبی، خشونت، سرکوب و بی حقوقی زنان و همچنین فقدان آزادی بیان و سرکوب فعالان سیاسی و اجتماعی و روزنامه نگاران از طریق آزار و اذیت، بازداشت و زندانی کردن آنان اشاره دارد.

با وجود اینکه مفاد گزارش خیر از سیاست "شرط بندی نکردن بر روی اسب بازنده از سوی کمیسیون حقوق بشر است، اما آنچه که قابل بحث و تأکید از طرف ما کارگران و مزدبگیران است، موضع سطحی و So So خانم مای ساتو با نقض حقوق بشر در ایران است.

نفس انتشار چنین گزارشاتمی از سوی نهادهای بین المللی خود نشانگر قدرت ما مردم است که صدای انقلابمان جهانی شد. اما آنچه که در گزارش کمیته حقیقت یاب غایب و در نظر گرفته نشده، بستر و عاملیت بی حقوقی، تبعیض و ستم جنسیتی عریان و سرکوب وحشیانه زنان و دیگر اقشار و همچنین نسل کشی و در پاره ای موارد، قربانی کردن کارگران و مزدبگیران جامعه است. من در این نوشته سعی میکنم از این منظر به نقض پایه ترین حقوق انسانها در جامعه ایران که بطور واقعی از مصادیق جنایت علیه بشریت است، مختصر اشاره ای داشته باشم.

وقتی از نابرابری و تبعیض آشکار در حقوق برسمیت شناخته شده زن و مرد سخن می گوئیم و در قوانین و مناسبات حاکم بر ایران حضور ندارد؛ نشانه ضدیت با اساس این حقوق طبیعی است که ذاتی جمهوری اسلامی است. چیزی که انتظار می رود؛ جمع بندی و نتیجه گیری سر راست از همین مختصر آماری است که با تلاش های نهادها و افراد مستقل و با مشکلات فراوان؛ از وضعیت زنان و دیگر اقشار جامعه منتشر می شوند.

ایشان در گزارش شان از تفاوت های قانونی در زمینه حقوق ازدواج، طلاق، ارث، آزادی سفر، قتل زنان، اعدام آنان و کودک همسری یاد می کند؛ بدون اینکه در جمع بندی به ضدیت ریشه ای رژیم حاکم با حقوق پایه ای انسان اشاره کند.

خشونت خانگی، خشونت جنسی و تبعیض جنسیتی و دیگر موارد مرتبط با زنان محصول ساختار و مناسبات آپارتاید جنسی حاکم است که کمترین حقی برای زنان قائل نیست و این آن چیزی است که انتظار می رود در نتیجه گیری منعکس شود.

موارد نقض حقوق اقلیت ها و گروه های قومی و مذهبی، از موارد مد نظر در گزارش خانم مای ساتو است. با نگاه به سابقه سرکوب ها و معاضدت های رژیم در این زمینه که هر روزه در جریان است؛ به ماهیت ضد بشری آن می توان پی برد. هم اکنون تعداد زیادی از شهروندان ایرانی بدلیل اعتقاد به مذاهب دیگر و یا رویکردانی از مذهب حاکم و گرویدن به مذاهب دیگر و یا بی دینی- مورد سرکوب و با احکامی نظیر اعدام در زندان ها بسر می برند. بسیاری از افراد بدلیل فعالیت های معمولی مثل آموزش زبان های مادری- کردی، ترکی، بلوچی- در زندان ها و یا مورد تعقیب قضایی هستند. بسیاری از مناطق ایران بدلیل مغایرت مذهبی و فرهنگی، از دارا بودن حق هويت و شناسنامه و از دسترسی به همان حداقلها از امکانات اقتصادی- اجتماعی محروم و دارای محدودیت هستند. این موارد چیزی نیست که بتوان انکار و یا مضمول مرور زمان کرد؛ بلکه همین امروز می بایست برای توقف آنها اقدام کرد.

دستگیری و یا بعبارت درست تر، گروگان گیری از افراد دو تابعیتی که برای دیدار با خانواده و بازدید از ایران اتفاق می افتد، از مواردی است که نه فقط بدلیل ضدیت رژیم دیکتاتوری برای ایجاد رعب و وحشت در داخل که برای مقاصد تروریستی و فشار و ایجاد امکان معامله بر سر مبادله اعضای جنایتکار خویش به کار گرفته میشود. این نیز از مواردی است که می توان با اتکاء به آن کل ساختار جنایتکاران حاکم را مردود اعلام کرد.

بی حقوقی و سرکوب پناهجویان و مهاجران در ایران یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر است که همه جهانیان از آن مطلع هستند. رژیم جنایتکار دزدان اسلامی، هر بار به بهانه های مختلف و با ایجاد جو ضد مهاجر- بویژه جو ضد افغانستانی- امنیت و آرامش این بخش از جامعه را بر هم ریخته و حقوق پایه ای آنان را که دارا بودن حداقل های امنیت اجتماعی و سیاسی است، نقض و زیر پا می گذارد. ایجاد جو مهاجر ستیزی و راه اندازی دسته های فاشیستی سازمان یافته، برای تعرض مستقیم به پناهجویان و مهاجران، یکی از موارد مهم نقض حقوق بشر است که جا دارد نه تنها در گزارش پرداخته و پر رنگ شود؛ که نشانه برای بی صلاحیتی و ضدیت حاکمیت دزدان اسلامیت قلمداد شود.

در مورد نقض گسترده حقوق زندانیان، تجاوز و تعرض جنسی به زنان و مردان، محرومیت از داشتن حق دفاع و وکیل، محرومیت از حقوق صنفی پایه ای نظیر بهداشت، درمان، تغذیه و حق ملاقات، مرخصی و ارتباط تلفنی با خانواده از عام ترین مشکلاتی است که زندانیان، بویژه با محکومیت های سیاسی و عقیدتی با آن مواجه هستند. محبوس کردن در سلول های انفرادی و یا در بند زندانیان با جرایم جنایی و فشار از طریق جانیان به زندانیان زن و مرد از جمله موارد نقض حقوق شهروندی است که به زندانیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی تحمیل می شود.

یکی دیگر از زمینه هایی که بی حقوقی و نقض و سرکوب در آن صورت می گیرد؛ در رابطه با حقوق و مناسبات کار در ایران است. تحمیل شرایط سخت و برده وار و گروگان گیری از دستمزد و مزایای شغلی از مواردی است که به میلیون ها انسان کارگر و مزدبگیر در ایران تحمیل می شود. تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضاء و محرومیت از بیمه و خدمات درمانی و اجتماعی برای میلیون ها کارگر زن و مرد؛ آشکارترین موارد نقض و تعرض به حقوق انسان ها در ایران است. سرکوب اعتراضات و مطالبات مزدبگیران از عمده ترین موارد نقض حقوق انسانی است که کمتر در پیگیری های حقوق بشری به آن پرداخته می شود. دستگیری کارگران و نمایندگان و پیشروان آنان از موضوعاتی است که رژیم همواره به آن متصل شده و اجازه دخالت و همراهی هیچ نهاد و مرجع مدافع کارگران و حقوق بشری داخلی و خارجی را نمی دهد. از گذشته تاکنون کارگران بسیاری در زندان های جمهوری اسلامی، با شرایط غیر انسانی و دشوار به بند کشیده می شوند بدون اینکه امکان دفاع از خود، طبق موازین و استانداردهای جهانی را داشته باشند.

یکی از مهم ترین آئیم های نقض حقوق بشری در ایران، سلب و سرکوب حق تشکل و نهادهای مدنی؛ برای مزدبگیران و دیگر اقشار جامعه است. سرکوب تشکل ها و نهادهای مردمی یکی از مواردی است که طی سال های عمر جمهوری اسلامی



سوانح کاری: جنایت مستمر علیه کارگران سیاوش آذری

بنا بر گزارش پزشکی قانونی ایران در شش ماه اول سال ۱۴۰۳، هزار و هفتاد و هفت کارگر در "سوانح کاری" جان خود را از دست داده‌اند. با این حساب در شش ماه اول سال مذکور هر ماه ۲۰۰ کارگر قربانی جنایت کاری گشته‌اند. این در حالی است که بر خلاف اظهارات دست‌اندرکاران و مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر کاهش میزان "سوانح کاری"، مرگ و میر کارگران در اثر جنایات کاری رشدی مستمر داشته است. برای نمونه و بر اساس آمار پزشکی قانونی میزان جانباختگان جنایات کاری در شش ماه اول سال ۱۴۰۳ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۵/۷ درصد افزایش یافته است.

هدف سرمایه‌چیزی جز از سوداندوزی هر چه بیشتر نیست و از منظر سرمایه‌جان و سلامت کارگر امری فرعی به شمار می‌آید. با این وجود، مبارزات چندین صدساله طبقه کارگر قادر به تحمیل برخی قوانین در بسیاری از کشورها در راستای ایجاد شرایط ایمن‌تر کاری که سلامتی بدنی و روانی و جان و زندگی کارگران را تضمین نماید شده است. در ایران تحت سیطره رژیم اسلامی اما درنده‌خویی سرمایه خود را از تمامی قیدوبندها رهانیده و کشتار کارگران از طریق جنایات کاری به عملی عامدانه مبدل گشته است. در اقتصاد سرمایه‌داری دزدسالار اسلامی که سرمایه‌داران خود از مقربین بیت رهبری و از دست‌اندرکاران ریزودرشت رژیم و نهادهایی همچون سپاه و بنیاد مستضعفین هستند، یکی از مهم‌ترین شروط به‌جیب‌زدن سودهای نجومی و غارت و چپاول ثروت اجتماعی تحمیل شرایط

برده‌وار کاری به کارگران است. کشتار کارگران در جنایات کاری روی دیگر سکه عدم پرداخت دستمزدهای زیر خط‌فقر رسمی، سرکوب اعتراضات کارگران و دیگر اقتضای محروم و تحمیل شرایط زندگی مادون انسان بر جامعه است. مسئله عدم اجرای قوانین و مقررات و چشم‌پوشی نهادهای ناظر نیست؛ جنایات کاری جزو لایتنجزا و قانون حرکت و سودآوری سرمایه دزدسالار اسلامی است.

اگر استمرار حیات زالوی سرمایه به مکیدن خون کارگران وابسته است استمرار حیات خدای سرمایه اسلامی اما با جاری کردن خون کارگران امکانپذیر است. مقابله با سرمایه خون آشام اسلامی بخشی از مبارزه با کلیت حکومت الله است. همبستگی مبارزات کارگران برای شرایط کار و زندگی انسانی با جنبش انقلابی زن زندگی آزادی راه در هم کوبیدن و بزیر کشیدن سفاکان اسلامی را هموارتر خواهد نمود.

(مندرج در ژورنال شماره ۹۹۸)

جهان و بخش‌هایی از مجامع بین‌المللی به حق طلبی مردم ایران واکنش نشان دادند. این موضوع پس از قتل دولتی مهسا ژینا امینی و سرکوب و کشتار گسترده مردم، همراهی جهانی را به‌همراه داشت.

بزعم ما کارگران؛ این همراهی و حمایت جهانی محصول انعکاس روشن و دقیق از آنچه در ایران بعنوان بی‌حقوقی و جنایات رژیم دیکتاتور حاکم، با استفاده از شبکه‌ها و مدیای اجتماعی ممکن شده است و از طرفی خواست و مطالبات انسانی و جهانشمول مردم که بنام انقلاب زن زندگی آزادی شناخته شده و در پلتفرم‌ها و منشورهای انسانی اقتضای مختلف بیان شده است. اکثریت جامعه مطالبه رفاه و معیشت انسانی و استاندارد، آزادی بیان و دیگر آزادی‌های مدنی و همچنین اصل طبیعی حق انتخاب و ارتباط آزادانه در هر بخش از مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره و مخالفت اکید با هر گونه تبعیض و نابرابری جنسی و جنسیتی و ظلم و ستم طبقاتی و اقتصادی و سیاسی دارند.

ریشه همه این تبعیضات، بی‌حقوقی‌ها، تعرضات و محرومیت‌ها، نظام سرمایه‌داری وحشی حاکم بر ایران است. در نتیجه بنظر ما کارگران و مزدبگیران، هر درجه اغماض و برخورد مسالمت‌آمیز با چنین جنایتکارانی به منزله چشم‌پوشی و تأیید جنایات رژیم و نقض حقوق پایه‌ای بشر است. ما کارگران و مزدبگیران، اعم از زن و مرد و پیر و جوان، خواهان محکومیت صریح و بدون قید و شرط و بایکوت همه جانبه رژیم و عوام‌لش در تمام نقاط جهان هستیم. برسمیت شناختن مطالبه آزادی، رفاه و زندگی انسانی که در منشور انقلاب زن زندگی آزادی مندرج است، به معنی احترام به حقوق طبیعی و انسانی مردم ایران و گام عملی در اعاده حقوق همه ستمدیدگان و آسیب‌دیدگان از جنایات و نسل‌کشی سال‌ها حکومت فاسد در ایران است. زندگی آزاد و برابر، حق همه انسان‌ها و جهانی است

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۴

گزارش کمیته حقیقت‌یاب، ...

با آن مواجه هستیم. تأسیس و عضویت در نهادهای غیر دولتی و غیر وابسته به رژیم از اتهامات و جرایمی است که در سایه آن، تلاش میشود که هرگونه حق طلبی و مطالبه حقوق صنفی، سیاسی و فرهنگی و غیره را سرکوب و در نطفه خفه شود. به این معنا که هرگونه اطلاع‌رسانی و حمایت از مطالبات و یا سرکوب و نقض حقوق کارگران با دستگیری و سرکوب و زندان مواجه خواهد شد.

بسیاری از روزنامه‌نگاران و فعالان تشکل‌های مستقل کارگری، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقتضای جامعه با همین اتهامات دستگیر و به زندان‌های بلندمدت محکوم شده‌اند. فقدان مطبوعات آزاد و سرکوب آزادی بیان در هر شکل و قالبی، به شکلی گستاخانه و عریان در ایران اسلامزده رواج داشته و دارد. این موضوع شامل سرکوب و کلا و حقوق‌اندانی است که در حمایت و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، جانباختگان در دوره‌های مختلف و خانواده‌هایشان پا به میدان می‌گذارند. نمونه اخیر آن، صدور احکام اعدام برای ۳ زن فعال کارگری و اجتماعی؛ وریشه مرادی، پخش‌ان عزیز و شریفه محمدی است که تنها جرمشان دفاع از حقوق و مطالبات اکثریت مردم محروم و سرکوب شده است. در ایران هیچ حزب، سازمان و اتحادیه و سندیکایی اجازه تأسیس و فعالیت نداشته و عضویت در این تشکل‌ها جرم محسوب شده و حتی مشمول اعدام و زندان‌های بلندمدت خواهد شد.

شرایط بی‌حقوقی و نقض حقوق پایه‌ای انسان در ایران تغییر نکرده و کماکان زنان، کارگران، مهاجران، اقلیت‌های قومی و مذهبی و دیگر اقتضای جامعه، تحت سرکوب و محرومیت قرار دارند. دادخواهی و مطالبه‌آملا و آمران جنایت در ایران جرم محسوب می‌شود و معترضان و خانواده‌های دادخواه به جای جنایتکاران محاکمه و زندانی می‌شوند. با این وجود بویژه با کشتار آبان ماه ۹۸، افکار عمومی



واکنش های سران جمهوری اسلامی نسبت به تهدیدات جدید ترامپ - مهران محبی

جنگنده های پدافندی و آفندی مورد نیاز ایران را تحویل دهد".

حکومت از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در عرصه داخلی در بن بست کامل است و امیدی به بسیج سرباز و نیروی جنگی ندارد. در همین ایام اخیر که فشارهای ترامپ شدت

یافته اند، سرانش شاهد یک پیشروی و شکل گیری یک صف بندی عظیم اجتماعی در شهرها و روستاها در برابر خود به بهانه جشن های نوروزی بوده و دیده اند که چگونه مردم بر همه نمادهای عزا و مقدسات اسلامی اش می رقصند. خامنه ای و دیگران این اوضاع اقتصادی و انزوای منطقه ای و بین المللی خود و فضای اعتراضی و انقلابی جامعه را دیده و قطعاً به این نتیجه رسیده اند که در صورت وقوع جنگ، این جامعه ۸۰ میلیونی نه تنها حامی و پشتیبان حکومت نخواهند بود، بلکه مهلک ترین ضربات را هم بر پیکر فرتوت اش خواهند کوبید.

واضح است و به یقین خود سران رژیم هم می دانند که تن دادن به هر یک از دو گزینه "جبری" ترامپ هیچ فرج و راه نجات هر چند کوتاه مدتی را برایشان باز نخواهد کرد، ولی راه سومی هم ندارند. یا جنگ را باید قبول کنند، یا توافق که به معنای تسلیم کامل است.

دولت های غربی و ترامپ بعد از حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل و دو بار درگیری نظامی مستقیم میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل به این نتیجه رسیده اند که رژیم اسلامی به اصطلاح "زیادی پایش را از گلیمش درازتر کرده" و دیگر قابل تحمل نیست. از نظر ترامپ و شرکا، "یال و کوپال" جمهوری اسلامی باید چیده شود و بویژه ترامپ برای پیشبرد و تحقق وعده ها و ادعاهای دوران انتخاباتی اش در عرصه های اقتصادی، سیاسی و برتری طلبی های ناسیونالیستی و بازگرداندن اعتبار و استیلای آمریکائی بر جهان شديداً نیازمند تعطیلی کامل پروژه هسته ای، محدود شدن فعالیت های ساخت موشکی و قطع کامل حمایت جمهوری اسلامی از گروه های تروریستی اسلامی در منطقه به عنوان یکی از پیش شرط ها است.

اما آنچه که در نتیجه تضعیف جمهوری اسلامی چه از طریق جنگ و چه از طریق وادار کردنش به توافق و تسلیم، در داخل ایران رخ خواهد داد برای ترامپ و دیگران خوشایند و مطلوب نیست و تا حد زیادی هم به آن واقف هستند. می دانند به احتمال بسیار زیاد در نتیجه تضعیف شدن جمهوری اسلامی، مردم انقلاب خواهند کرد و اوضاع از کنترلشان خارج خواهد شد. ولی همانند خود جمهوری اسلامی، ترامپ و دولت های غربی نیز راه سومی در برابر خود نمی بینند.

ترامپ در یک پیام (تهدید) جدید در هشتم فروردین ماه از جمهوری اسلامی خواست که سریعاً بر سر خواسته های پنجگانه توافق کند و در غیر اینصورت با عواقب آن روبرو خواهد شد. رئیس جمهور آمریکا اینبار تأکید کرده که توافق باید به طور مستقیم انجام گیرد.

این پیام ترامپ در واکنش به صحبت های اخیر سران جمهوری اسلامی مبنی بر احتمال مذاکره غیر مستقیم با آمریکا است که طبق معمول هدف خریدن وقت را در سر دارند. او اعلام کرده که مانند بایدن رئیس جمهور سابق آمریکا به جمهوری اسلامی هیچ مجالتی برای طفره رفتن و معلق گذاشتن موضوعات مورد منازعه نخواهد داد. صراحتاً گفته است یا مستقیم توافق (نه مذاکره) توافق کند، یا مورد حملات نظامی قرار خواهد گرفت.

با توجه به گسیل ناو هواپیمابر جدید آمریکا به آب های نزدیک ایران که حامل جنگنده های ۳۵ هستند و همچنین مستقر کردن ۷ فروند بمب افکن B۲ در یک پایگاه هوایی در هند طی روزهای گذشته، به نظر می رسد که تهدیدات ترامپ بسیار جدی هستند و جمهوری اسلامی در مدت تعیین شده به عنوان ضرب العجل برای تصمیم گیری یا باید تسلیم خواسته های ترامپ شود، یا مورد حمله نظامی قرار خواهد گرفت.

در مقابل تهدیدات ترامپ هم، سران جمهوری اسلامی با سردرگمی و به هم ریختگی عمیق تر یک روز تهدید توخالی می کنند و روز بعد از آمادگی برای مذاکره غیر مستقیم با آمریکا حرف می زنند و در مقابل نمایشات آمادگی و تحرکات نظامی آمریکا در منطقه نیز سپاه پاسداران رژیم اقدام به رونمایی از شهر موشکی جدید می کند.

با اینحال شواهدی هستند که نشان می دهند جمهوری اسلامی علی رغم "هارت و پورت هایش" در میدان عمل دست به عقب نشینی هائی زده است و خود را برای تسلیم شدن تا پایان ضرب العجل آماده می کند. طبق اخبار و گزارشات، گروه های شبه نظامی عراقی با موافقت جمهوری اسلامی در حال ادغام شدن در نیروهای نظامی عراق هستند و حق ندارند هیچ نوع عملیات نظامی علیه نیروهای آمریکائی را انجام دهند. حوثی های یمنی نیز با وجود اینکه تازگی شديداً بیشتر مراکز و تأسیسات نظامیشان توسط آمریکا بمباران شده اند، تحرکات نظامی و موشک پرانی قابل توجهی از خود نشان نمی دهند.

علاوه بر این که حوثی ها در انجام عملیات نظامی و علیه اسرائیل و کشتی های عبوری از دریای سرخ کم تحرک شده اند و حشدالشعبی و دیگر نیروهای تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق از هر گونه اقدام علیه نیروهای آمریکائی در عراق منع شده اند، اوضاع حاکم در درون حکومت هم نشان از آماده شدن برای تن به تسلیم دادن دارد. بیشتر سران رژیم حتی خامنه ای هم به وخیم بودن اوضاع اقتصادی معترف هستند و این یعنی اینکه می دانند در صورت وقوع جنگ، از نظر تأمین هزینه های آن ناتوان هستند و اگر به درازا بکشد همه چیزشان را از دست خواهند داد. از نظر منطقه ای و جهانی هم در انزوا و مضيقه هستند و بنا به اعترافات خودشان، دولتی مانند روسیه هم به دنبال سود بردن از جنگ ایران با اسرائیل و آمریکا هستند. کسی مانند حشمت الله فلاحت پیشه، کارشناس سیاست خارجی و عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی می گوید: "روسیه بیشترین سود را از جنگ می برد و ۷ اکتبر یک پل نجات را برای آن ایجاد کرد... روسیه کشوری است که نماینده اش در شورای امنیت سعی کرد به گونه ای حق ایران را برای مقابله به مثل در حمله به کنسولگری نشان دهد، اما همین روسیه... حاضر نشده تسلیحات و

کارگر کمونیست

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



حضور مردم در خیابان؛ ریشه مرگ بر پیکر حکومت

مهران محبی

گسترش اعتراضات خیابانی مردم در خیابان و کارخانه و هر مکان تجمعی و عمومی، چنان وحشتی به جان سران رژیم انداخته که نه تنها به خطر سرنگونی حکومتشان در ادامه همین تجمعات و اعتراضات با نگرانی و ترس به آن اعتراف می کنند، بلکه ذبونانه و رذیلانه از مردم عزم جزم کرده برای سرنگون کردنشان می خواهند که این کار (اعتراض خیابانی) را نکنند.

یکی از مهره های حکومتی که نسبت به اعتراضات خیابانی مردم واکنش نشان داده "محمد منان رئیسی" نماینده قم در مجلس اسلامی است که ابتدا با خطاب به دولت گفته: "اگر دولت زودتر تدبیر نکند و سیاست های اقتصادی را اصلاح نکند، ممکن است خیابان ها شلوغ بشود" و در ادامه هم با تهدید و توصیه رو به جامعه گفته: "به مردم توصیه می کنم راه کف خیابان را امتحان نکنند. در این ۵۰ سال ده بار مانند ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ امتحان شده است... با این تجارب هسته حکومت سخت شده و اجازه انقلاب دوباره نمی دهد. نمی گذاریم مانند سال ۵۷ مردم انقلاب کنند".

نماینده قم به این صراحت و وضوح دارد می گوید مردمی که ۴۶ سال زیر حاکمیت جمهوری اسلامی همه چیز خود را از معیشت گرفته تا آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از دست داده و امنیت و زندگی و زنده ماندنشان همچنان هر روزه مورد حمله و تهاجم ماشین سرکوب و کشتار و اعدام قرار دارد، در حال بسیج و انسجام بخشیدن به نیروی توده ای خود برای سرنگون کردن رژیم هستند، ولی در عین حال با دلالت توأم با ردالت چنگ و دندان نشان می دهد و خیزش های به خون کشیده تاکنونی مردم توسط جانپان و آدمکشان حکومت اسلامی را یادآور می شود تا مردم دوباره به فکر انقلاب و سرنگون کردن رژیم نیافتند.

این نماینده مجلس حکومت مفلوک با چنین واکنشی نه تنها اوضاع در حال فروپاشی و روند رو به سرنگونی رژیمشان توسط انقلاب مردم را ناخواسته به تصویر می کشد، بلکه بند دروغ بزرگ ۴۶ ساله جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه انقلاب ۵۷ مردم به خاطر اسلام و خدا و محمد و بقیه مزخرفات اسلامی بوده را نیز به آب زده است. او و همه سران ریز و درشت حکومت شدت خشم مردم کارگر و زحمتکش از حکومتی که فقر و گرانی و بیکاری را بر زندگیشان حاکم کرده و برای نجات از این وضعیت فلاکتبار و غیر انسانی نه تنها به فکر انقلاب انداخته، بلکه انقلاب را شروع کرده و دارند به جلو می برند را درک و بلکه فراتر از درک، احساس کرده اند.

بنابراین حالا که عموم مردم آستین بالا زده اند تا حکومت الله و قرآن و اسلام را سرنگون کنند و همه کثافت آن را از جامعه جارو کنند، دیگر جانپان اسلامی از طرفی نمی تواند خشم و نفرت ده ها میلیونی مردم و حضور هزاران نفره معترضین در کف خیابان را انکار کند. از طرف دیگر نمی تواند همچنان دروغ سر هم کنند و بگویند مردم معترض و حاضر در کف خیابان که فریاد اعتراضشان علیه سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و قاتل و ضد آزادی و فرهنگ مدرن، طرفداران حکومت و اسلام و قمه کشان و آدمکشان برای رضایت خدا هستند. مردمی که در سال ۵۷ هم به خاطر آوار کردن کثافات و جنایات اسلام بر زندگی خود انقلاب کردند. آنها وقتی هم که به علت اوضاع انفجاری ای که حکومتشان را در لبه سرنگونی قرار داده اذعان می کنند، در اوج زبونی و استیصال تهدید می کنند که نمی گذارند مردم مانند سال ۵۷ انقلاب کنند و آشکارا اعتراف می کنند که مردم سال ۵۷ هم برای برچیدن سایه فقر و خفقان از سر زندگیشان انقلاب کردند.

به این ترتیب صحبت های کسی مانند محمد منان رئیسی این مهره رژیم که کلام گفته و ناگفته هر جنایتکار به وحشت افتاده حکومت است، اعتراف به واقعیت هائی است که ۴۶ سال تلاش کرده اند وارونه تبلیغ و بیان کنند و حالا در استانه سرنگونی

دارند به زبان می آورند. البته این اعترافات به خاطر تغییر روش و رویکرد حکومت برای اعلام عقب نشینی در برابر جامعه و جبران جنایاتی که در حق مردم کرده و به زندگیشان آسیب و خسارات جبران ناپذیر وارد کرده اند، نیست، بلکه ناچار شده اند به رسالت خود برای به خون کشیدن و به شکست کشیدن انقلاب مردم علیه دیکتاتوری شاه و فقر و گرسنگی و حاشیه نشینی و حلبی آباد نشینی اذعان کنند تا خیال انقلاب کردن را از سر مردم بیرون کنند. می دانند که دیگر نمی توانند حتی عقب مانده ترین آدمها را که زندگیشان را تباه کرده اند، با چرنیدیات اسلامی و خرافی متقاعد به سکوت و پیروی کنند.

از اینرو چنگ و دندان نشان میدهند و تهدید می کنند که همانطور که وظیفه سرکوب انقلاب را از رژیم شاه به خاطر ناتوانی اش در سرکوب مردم انقلابی با موافقت و حمایت دولتهای ارتجاعی غربی به عاریت گرفتند، حالا نیز همان وظیفه را دارند و خزنبلاتی مانند شهادت و ایثار در راه خدا و غیره چیزی جز برای فریب مردم نبوده اند.

وقتی می گویند: "نمی گذاریم مردم مانند ۵۷ انقلاب کنند" دارند بدون ابهام می گویند که تنها تفاوت میان حکومت های پهلوی و جمهوری اسلامی (که هر دو حافظ منافع یک درصدی های دزد و فاسد صاحب قدرت و سرمایه هستند) در رابطه با جامعه فقط در ایدئولوژی است. حاکمیت سلطنتی پهلوی قوام یافته بر ناسیونالیسم و خاک پرستی ۴۶ سال پیش با انقلاب مردم سرنگون و پایان یافته و جمهوری اسلامی سر بر آورده از تعفن اسلامی از آن زمان تاکنون با حفظ و تقویت و گسترش همه ساختارهای فساد و ماشین سرکوب و کشتار و اعدام دوران پهلوی با تغییر نام ها و تغییر عناوین بر جامعه حکمرانی می کند. ساوا (دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی سپاه و وزارت اطلاعات) جای ساواک شاه را گرفته و دادگاه های انقلاب اسلامی جای دادگاه های نظامی را گرفته و غیره؛ و در مقابل هر دو این نظام های سرکوبگر و آدمکش و فاسد نیز مردمی قرار داشته و دارند که از شدت فقر و خفقان جانیشان به لب رسیده که حکومت شاه را سرنگون کرده، ولی توانستند انقلابشان را به سرانجام برسانند و جانپان اسلامی قدرت را به دست گرفتند.

در نتیجه همانطور که رژیم اسلامی وارث رژیم پهلوی است، مردمی که امروز می خواهند جمهوری اسلامی را با انقلاب خود سرنگون کنند نیز وارثین مردم انقلابی ای هستند که در سال ۵۷ توانستند رژیم شاه را سرنگون کنند و امروز این واقعیت در زیر فشار انقلاب قریب الوقوع مردمی از زبان سران جمهوری اسلامی به آن اعتراف می شود.

ما مردم به این واکنش های ذبونانه سران رژیم که همراه با تهدید به سرکوب نشان داده می شوند، به وجد می آیم و آنها را ناشی از وحشتی می دانیم که قدرت اعتراض و انقلابمان بر جانپان انداخته است. ما انقلاب ناتمام ۵۷ را با سرنگون کردن جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام مبتنی بر دخالت همه مردم از طریق شوراها که متضمن ایجاد رفاه برای عموم مردم و آزادی بی قید و شرط سیاسی باشد، به سرانجام خواهیم رساند.

زنده باد منصور حکمت در تاریخ شکست نخوردگان که از شاهکارهای اوست مینویسد: "اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست نخوردگان



آنها و ادامه متحدانه اعتراضات از سوی کارگران تاکید دارد. حزب بر همبستگی کارگران تمام بخش های شرکت نیشکر هفت تپه با کارگران فصلی اخراجی تاکید دارد. نیشکر هفت تپه تجربه درخشانه از مبارزه متحد و قدرتمند دارد و انتظار است که با سودجویی از این تجربیات محکم و استوار مقابل تفرقه افکنی های قومگرایانه می ایستند و بساط حراست را از شرکت جارو خواهند کرد.

خبر دیگر روز گذشته ششم فروردین دیدار نرورزی بازنشستگان با خانواده های اسماعیل گرامی بود. دیدارهای همبستگی با خانواده های زندانیان سیاسی شکلی از اتحاد مبارزاتی علیه زندان و امنیتی کردن مبارزات است. اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته و فعال کارگری شناخته شده، در بیست و یکم مردادماه سال ۱۴۰۳ دستگیر و با یک سال حکم در زندان اوین بسر میبرد. اسماعیل گرامی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. بازنشستگان در این دیدار ضمن تأکید بر آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، عقیدتی و مطالبه گر و لغو احکام اعدام، بر تداوم یکشنبه های اعتراضی تا تحقق مطالباتشان، از جمله افزایش حقوق بالای خط فقر، درمان رایگان و سایر خواسته های اساسی، تأکید کردند. در همین راستا فراخوانهایی برای ادامه تجمعات هفتگی از سوی بخش های مختلف بازنشستگان در شروع سال جدید داده شده است. بازنشستگان یک ستون مهم جنبش بر سر معیشت و رفاه در جامعه هستند. از خواسته ها و اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۷ فروردین ۱۴۰۳، ۲۷ مارس ۲۰۲۵

تجمع کشاورزان اصفهان و معدن تیتانیوم کهنوج

و اخبار تکمیلی از اعتراض کارگران نی بر نیشکر هفت تپه

کشاورزان اصفهان امروز پنجشنبه هفتم فروردین بار دیگر با برگزاری تجمعی اعتراضی، خواستار احقاق حقوق خود در زمینه حق آب و بازگشایی رودخانه زاینده رود شدند. اعتراض کشاورزان به مافیای آب و خشک شدن زاینده رود و عدم پاسخگویی به مشکلات معیشتی و کاری شان است.

در روز هفتم فروردین همچنین در پی اخراج ۱۰ کارگر دیگر از معدن تیتانیوم کهنوج، کارگران این شرکت معدنی دست به اعتراض و اعتصاب زدند. بنا بر گزارشات طی شش ماه گذشته، این شرکت نزدیک به ۶۰ کارگر را با توجیه اتمام قرارداد و عدم نیاز، از کار اخراج کرده است. اشاره کنیم که معدن تیتانیوم واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان کهنوج در استان کرمان یکی از بزرگترین معادن تیتانیوم در ایران و جهان محسوب میشود که پس از ۲۵ سال وقفه به بهره برداری رسیده است.

در اطلاعیه خبری روز گذشته ششم فروردین ماه از تجمع اعتراضی کارگران فصلی نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراجها و از دست دادن شغل خود گزارش دادیم. بنا بر گزارشهای تکمیلی که دریافت کرده ایم این حرکت اعتراضی مورد یورش حراستی ها قرار گرفت و بین کارگران فصلی نی بر با حراستی ها که مقابل درب شرکت تجمع داشتند درگیری صورت گرفت و از هر دو طرف تعدادی زخمی شدند و حراستی ها به تعدادی از وسایل نقلیه کارگران در پارکینگ شرکت آسیب وارد کردند. همچنین تعدادی از کارگران فصلی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این حمله وحشیانه بر خشم و نفرت کارگران و فضای اعتراض در این شرکت شدت داده است.

حزب کمونیست کارگری حمله وحشیانه حراست و تبلیغات تفرقه افکنانه برخی رسانه های معلوم الحال در این مورد را بشدت محکوم کرده و بر آزادی فوری دستگیر شدگان، بازگشت به کار کارگران نی بر فصلی اخراجی و بستن قرارداد ثابت کاری با

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

ما مردم، به جان آمده، در سراسر این کشور فریاد زدیم "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی"، و هیچ تردیدی نداریم که تا تمام کردن کار این نظام منفور و متحجر و ضد بشری راهمان را متحدانه ادامه می دهیم.

زندگی انسانی حق مسلم تک ماست! و آنرا با تجمعات و اعتراضات و ادامه انقلاب خویش به دست می آوریم.
نابود باد حکومت اسلامی!



از صفحه ۷

حضور مردم در خیابان! ...

است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخوانند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آلهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسبب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد. "منصور حکمت درست گفت ما تاریخ شکست نخوردگانیم. ما مردم به سران جنایتکار اسلامی می گوئیم که قدرتمندتر و رادیکال تر از سال ۵۷ انقلاب خواهیم کرد و دیگر اجازه نخواهیم داد هیچ جریان و باند سیاهی ای بر سرنوشتمان حاکم شود. ما سال جدید را با گسترش نقابلات اجتماعی مانند مراسمات و جشن های نرورزی با حضور وسیع زنان بی حجاب با حکومت آغاز کرده ایم و با اعتصابات و اعتراضات قدرتمند کارگری و توده ای به سوی سرنگونی رژیم به پیش خواهیم برد.

Islamic Regime of Iran out of ILO

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست



این شکل برده وار کار اعلام کردند. این کارگران خواستار پایان یافتن قراردادهای موقت پیمانی و استخدام رسمی خود در شرکت هستند. این کارگران همچنین به سطح نازل حقوقها و تبعیض ها اعتراض دارند و خواستار اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند بهبودی در مزد آنها ایجاد کند، هستند.

پنجشنبه ۷ فروردین:

- کشاورزان اصفهان امروز پنجشنبه هفتم فروردین بار دیگر با برگزاری تجمعی اعتراضی، خواستار احقاق حقوق خود در زمینه حق آبه و بازگشایی رودخانه زاینده رود شدند. اعتراض کشاورزان به مافیای آب و خشک شدن زاینده رود و عدم پاسخگویی به مشکلات معیشتی و کاری شان است.

- در پی اخراج ۱۰ کارگر دیگر از معدن تیتانیوم کهنوج، کارگران این شرکت معدنی دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

چهارشنبه ۶ فروردین:

- کارگران فصلی نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراجها و از دست دادن شغل خود دست به تجمع زدند. این حرکت اعتراضی مورد یورش حراستی ها قرار گرفت و بین کارگران فصلی نی بر با حراستی ها که مقابل درب شرکت تجمع داشتند درگیری صورت گرفت و از هر دو طرف تعدادی زخمی شدند و حراستی ها به تعدادی از وسایل نقلیه کارگران در پارکینگ شرکت آسیب وارد کردند. در این میان دستکم پانزده نفر از کارگران فصلی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این حمله وحشیانه بر خشم و نفرت کارگران و فضای اعتراض در این شرکت شدت داده است. اسامی برخی از بازداشت شدگان: میرزا مهرابی، کیماس درقاعدی، داودی، اسکندر براتی، حسینعلی نوروزی، محمدیار نوروزی، نوراله نوروزی و حسن داودی.

- جمعی از بازنشستگان با خانواده‌ی اسماعیل گرامی دیدار نوروزی داشتند. دیدارهای همبستگی با خانواده های زندانیان سیاسی شکلی از اتحاد مبارزاتی علیه زندان و امنیتی کردن مبارزات است.

- بنا بر خبرهای منتشر شده مرتضی صیدی، فعال کارگری که از روز پنجم فروردین در اعتراض به انتقال خود به بند قرنطینه زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده بود، بعد از بازگرداندن شدنش به بند چهار زندان اوین اعتصاب غذای خود را خاتمه داد.

سه شنبه ۵ فروردین:

- در اثر تصادف وانت حامل کارگران کشاورزی در محور جاده شوش - فتح المبین (نزدیک به روستای زعن) در استان خوزستان با یک خودروی دیگر ۹ کارگر کشاورزی (۷ زن و ۲ مرد) مصدوم و به بیمارستان نظام مافی شوش منتقل شدند. جاده های نا امن و استفاده از خودروهای اسقاطی ناامن برای نقل و انتقال کارگران همواره خطر آفرین بوده و هر روز قربانی میگیرد. این موضوع از جمله موضوعات اعتراضی کارگران است.

دوشنبه ۱۱ فروردین:

- دور جدید اعتراضات کشاورزان در اصفهان که از ۳ فروردین آغاز شد، ادامه دارد. کشاورزان به خلف وعده ها و مافیای آب و ناپدید شدن ۲۸۰ میلیون مترمکعب آب اعتراض دارند.

یکشنبه ۱۰ فروردین:

- کشاورزان شرق و غرب اصفهان از ورزشگاه تا رودشت و اطراف در ادامه مبارزات هر روزه خود و برای پیگیری مطالباتشان با تراکتورها به خیابان آمدند و فریاد اعتراض سر دادند. در این روز نیروهای یگان ویژه با باتوم و خشونت دست به یورش زدند و کشاورزان ایستادند و نشان دادند که مصممانه پیگیر مطالباتشان هستند. کشاورزان اعلام کردند که از آغاز صبح فردا یازدهم فروردین جلوی سازمان آب تجمع خواهند کرد. اعتراض کشاورزان به وضع بد کاری و معیشتی و مافیای آب است و خواست فوری آنها حقایق و بازگرداندن شدن آب زاینده رود است.

- بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت در ادامه اعتراضاتشان در اولین یکشنبه هفته آغاز سال ۱۴۰۴ دست به تجمع زدند. بازنشستگان با شعارهای "کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد" اعتراض خود را به سرکوبگریهای حاکم اعلام کردند.

شنبه ۹ فروردین:

- فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و اجتماعی در سنج این کانون داغ مبارزاتی مردمی شدت گرفته است. از جمله بر اساس ابلاغیه شعبه اول دادگاه انقلاب سنج، شیث امانی کارگر بازنشسته نساجی کردستان و از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دادگاه احضار شده است و می باید روز سه شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۴ در آنجا حاضر شود.

- شهر اصفهان شاهد ادامه تجمعات اعتراضی بر سر وضعیت زاینده رود است. در حالی که چند روز پیش مسئولان از رهاسازی آب در این رودخانه خبر داده بودند، تاکنون هیچ اقدامی در این راستا صورت نگرفته و زاینده رود همچنان خشک باقی مانده است.

کشاورزان سخت کوش می گویند این وعدهها تنها تلاشی برای آرام کردن موقت اعتراضاتشان بوده و هیچ نتیجه‌ای در پی نداشته است. زمین‌های کشاورزی در حال نابودی است و معیشت خانواده‌ها به خطر افتاده، اما پاسخی جز سکوت از سوی مقامات دریافت نکرده‌اند. اعتراضات کشاورزان ادامه دارد و آن‌ها اعلام کرده‌اند تا زمانی که حقتشان برای دسترسی به آب زاینده رود محقق نشود، از پای نخواهند نشست. زاینده رود که برای مردم این منطقه بیش از یک رودخانه، بلکه شریان حیات محسوب می‌شود، اکنون به نمادی از مطالبات برآورده نشده تبدیل شده است.

جمعه ۸ فروردین:

- ۳۰۰ کارگر کارخانه سیمان کارون صدای اعتراض خود را به قراردادهای شرکتی



نفرت مردم از یکه تازی آخوندها و پاسداران و بسیجی ها نیز مشکل دیگر مردم است و مطلقاً قرار نیست از جانب حکومت داوطلبانه این یکه تازی ها کمتر شود. حکومت اسلامی در وحشت از انقلاب مردم خود را ناچار می بیند که مدام بر دستگاههای کنترل و سانسور و سرکوبش بیفزاید و هزینه های بیشتری را صرف ادامه کاری آنها کند.

فضای سرکوب و اعدام و زندان هم که جای خود دارد که مورد بیشترین نفرت و خشم و اعتراض مردم است.

بنابراین از مشاور پزشکیان باید پرسید شما طی این چهار سال قرار است کدام مشکل مردم را حل کنید که بتوانید دوام بیاورید؟ جواب او قاعدتاً باید این باشد که هیچکدام! او می داند که هیچکدام از مشکلات مردم توسط حکومت اسلامی و دولت پزشکیان قابل حل نیست و میتوان امیدوار بود که نه بعد از چهار سال بلکه بسیار زودتر از آن در همین سال جدید مردم بار دیگر با خشم به خیابان ها بریزند و فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سر دهند و با ادامه گسترده تر انقلاب زن زندگی آزادی، به دوران سیاه و تاریک این حکومت دزدان و متحجران و فسیلهای اسلامی پایان دهند. آری سال ۱۴۰۴ میتواند سال سرنگونی حکومت اسلامی باشد. امیدوار باشیم که چنین شود و علی ربیعی و مسعود پزشکیان هم از شر سنگ اندازی هم حکومتی هایشان برای همیشه خلاص شوند. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

علی ربیعی: "بعد از چهار سال نوبت کسی نیست" کاظم نیکخواه

علی ربیعی دستیار پزشکیان که سابقه طولانی ای در وزارت کار و وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی حکومت دارد، در هشدار به مخالفان دولت نوشته است «پس از این چهار سال، نوبت کسی نیست» بعد توضیح داده است که منظورم این است که پس از این چهار سال اگر نتوانیم مسائل تلنبار شده کشور را با اتحاد و با پشتوانه مردمی حل کنیم، جامعه ای ضعیف و ضعیف تر خواهیم داشت، پراکندگی بیشتری تجربه خواهد شد و ناامیدی بیشتری در اکثریت جامعه احساس می شود.

اما آشکار است که "نوبت کسی نیست" معنای فراتری دارد که ربیعی نخواست دقیقاً توضیح دهد. این جمله آشکارا به این معناست که اگر مشکلات مردم را حل نکنیم سرنگون خواهیم شد. ربیعی سابقه طولانی ای در خدمت حکومت اسلامی دارد و شاخکهایش تیز است. و مشکلات و معضلات عمیق حکومتش را می داند.

ربیعی میداند که این حکومت نه فقط مشکلات مردم را حل نخواهد کرد بلکه بر مشکلات و خشم مردم روز به روز می افزاید و بنابراین حرف او در واقع اینست که راه گریزی برای حکومت از سرنگونی نیست. زیرا مشکلات اقتصادی که ابتدا در این حکومت قابل حل نیست. یک اقتصاد عمیقاً فلج و رو به فروپاشی که هیچ چیزش کار نمی کند، دزدان و اختلاسگران حریص که برای پول بالا کشیدن به هیچ کس و هیچ چیز رحم نمیکنند. و پولهای کلانی که باید صرف بسیج و سپاه و زندانها و حشدالشعبی و حماس و حزب الله و امثال اینها شود سر به فلک می زند. اینها جایی برای توجه به مشکلات معیشتی مردم باقی نمیگذارد. اگر توجهی هم صورت گیرد اینست که چگونه چندرغاز باقی مانده دستمزد و حقوقهای کارگران و بازنشستگان و پرستاران را بالا بکشند.



نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، پرداخت کامل پاداش سنوات خدمت به کارکنان بازنشسته،

- کارزار سه شبه های نه به اعدام در اولین هفته سال ۱۴۰۴ برگزار شد. کارزاری که شصت و یکمین هفته خود را پشت سر گذاشت و ۳۸ زندان کشور را در بر گرفته است. حزب کمونیست کارگری به اعضای این کارزار درود میگوید. باشد که با اعتراضاتی قدرتمند و سراسری سال ۱۴۰۴ را به سال پایان دادن به مجازات ضد انسانی اعدام و گشودن در زندان ها تبدیل کنیم.

دوشنبه ۴ فروردین:

- کشاورزان در اصفهان با تراکتورهای خود برای دهمین روز پیاپی، در اعتراض به غصب حقه ای خود توسط مافیای آب نهادهای حکومتی تجمع کردند.

کارگران در هفته ای که گذشت... از صفحه ۹

- جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای بر سر دستمزد و علیه تصمیم جنایتکارانه شورای عالی کار و مصوب کردن حداقل دستمزد شش بار زیر خط فقر اعتراض خود را اعلام داشتند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما کارگران شاغل در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اعلام می کنیم که حداقل دستمزد در مذاکرات مزدی را تنها با حضور نمایندگان واقعی و مستقل طبقه کارگر مطابق با هزینه های واقعی سبد معیشت و افزایش آن در طول سال برسمیت میشناسیم. تعیین مزد و حقوق بر مبنای هزینه های واقعی سبد معیشت و پایان دادن به فقر و بردگی خواست همه مردم است. ما همصدا با دیگر همکاران کارگر معترض که در بیانیه های خود به دستمزدهای مصوب شورای عالی کار معترض شدند، دستمزد کمتر از نرخ واقعی سبد معیشتی را جرم میدانیم و اعلام میکنیم که حداقل دستمزد نباید کمتر از شصت میلیون باشد. حرف مشخص امروز ما اینست که در برابر هزینه های دلاری باید حداقل دستمزد نیز بر اساس صعود نرخ دلار محاسبه شود و بر اساس رشد تورم میزان آن در طول سال افزایش یابد. ما کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه برای تغییر وضع موجود بیش از هر زمانی به تلاش و مبارزه متحد خود ادامه خواهیم داد."

- کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه عملیاتی لاوان در ادامه اعتراضات خود اولین تجمع اعتراضی سال جدید را بر پا کردند. افزایش دستمزدها یک خواست فوری این کارگران و دیگر بخش های شاغل در نفت است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج



خواهند کرد.

سه‌شنبه ۵ فروردین

- جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای بر سر دستمزد و علیه تصمیم جنایتکارانه شورای عالی کار و مصوب کردن حداقل دستمزد شش بار زیر خط فقر اعتراض خود را اعلام داشتند.

- صبح این روز در اثر تصادف وانت حامل کارگران کشاورزی در محور جاده شوش - فتح‌المبین (نزدیک به روستای زعن) در استان خوزستان با یک خودروی دیگر ۹ کارگر کشاورزی (۷ زن و ۲ مرد) مصدوم و به بیمارستان نظام‌مافی شوش منتقل شدند. جاده های نا امن و استفاده از خودروهای اسقاطی ناامن برای نقل و انتقال کارگران همواره خطر آفرین بوده و هر روز قربانی میگیرد. این موضوع از جمله موضوعات اعتراضی کارگران است.

دوشنبه ۴ فروردین

- فرزانه زیلابی در گفت‌وگو با شرق از جلسه رسیدگی به پرونده ماندانا صادقی (نویسنده و روزنامه‌نگار)، آقای رضا محمدی (نویسنده و روزنامه‌نگار) و آرش قلعه‌گلاب (نویسنده و روزنامه‌نگار) در روز چهارشنبه ۱۵ اسفندماه در دادگاه انقلاب آبادان خبر داد. این سه نفر بر اساس کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان آبادان با اتهاماتی تحت عناوین اتهامی فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتباط با دول متخاصم مورد محاکمه قرار گرفته اند.

اتهامات وارد شده به ماندانا صادقی و آرش قلعه‌گلاب عمده‌تاً مرتبط با اخبار و تحلیل‌هایی است که در زمینه ی فاجعه ریزش متروپل و اعتراضات سال ۱۴۰۱ منتشر کرده‌اند.

فرزانه زیلابی ضمن گزارش این خبر اعلام کرد: «این پرونده با گزارش نادرست و غیرمستند آغاز شده و فاقد دلیل اثباتی برای اثبات اتهام علیه موکلین است. مطالب منتشر شده از سوی ماندانا صادقی ابزار نقد هستند از این رو در این پرونده که انتقادات مطرح‌شده صرفاً برای آگاهی بخشی و لغو فرآیندهای غلط و فسادزا بوده است هیچ‌گونه توطئه یا فعالیت ضد امنیت کشور در آن مشاهده نمی‌شود». فرزانه زیلابی میگوید: «تا زمانی که افراد بابت بیان مشکلات مردم و گفتن از فساد، متهم شناخته شوند، چگونه می توان انتظار بهبود اوضاع را داشت؟ برای ما بسیار مایوس

از خوزستان خبر میرسد؟

۱ تا ۸ فروردین ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۸ فروردین

- بنا به گزارش دریافتی، ماجد ساری، جوانی ۳۳ ساله از کوی علوی اهواز، تنها به جرم اندیشیدن، اعتراض کردن و خواستن حق و حقوق اولیه خود و با اتهام های کلیشه ای اجتماع و تبانی، عضویت در گروه‌های مخالف، تبلیغ علیه نظام به ۱۲ سال و نیم حبس محکوم شده و در بند پنج زندان شبیان محبوس است. ماجد ساری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۷ فروردین

- گزارشات از وضع جنایتبار زندان شبیان خیر میدهد. این زندان در استان خوزستان، شهرستان باوی، بخش ویس و در بزرگراه شوشتر - اهواز قرار گرفته و در سال ۱۳۹۴ افتتاح شده است. زندان شبیان از نظر شرایط بهداشتی، تغذیه، درمان، و امکانات رفاهی وضعیت بسیار ناهنجار و غیر انسانی ای دارد. برخوردهای وحشیانه، جنایتکارانه و ضد انسانی، شکنجه، توهین و تحقیر و فساد در ارائه خدمات، محرومیت زندانی از دارو و درمان بعنوان بخشی از شکنجه روحی و جسمی زندانیان، محرومیت زندانیان از برخورداری از نیازهای اولیه و انسانی از معضلات رایج در این زندان است. دست مقامات زندان در وارد کردن هر گونه اجحاف و جنایتی در این زندان باز است. طبق ارزیابی ای اولیه در این زندان بین ۱۰ تا ۱۲ هزار زندانی در شرایط بسیار سخت و غیربهداشتی محبوس هستند. با اعتراضات گسترده در زندانها را بکشاییم.

چهارشنبه ۶ فروردین

- کارگران فصلی نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراجها و از دست دادن شغل خود دست به تجمع زدند. این حرکت اعتراضی مورد پورش حراستی ها قرار گرفت و بین کارگران فصلی نی بر با حراستی ها که مقابل درب شرکت تجمع داشتند درگیری صورت گرفت و از هر دو طرف تعدادی زخمی شدند و حراستی ها به تعدادی از وسایل نقلیه کارگران در پارکینگ شرکت آسیب وارد کردند. در این میان دستکم پانزده نفر از کارگران فصلی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. این حمله وحشیانه بر خشم و نفرت کارگران و فضای اعتراض در این شرکت شدت داده است. اسامی برخی از بازداشت شدگان: میرزا مهرابی، کیماس درقاعدی، داودی، اسکندر براتی، حسینعلی نوروزی، محمدیار نوروزی، نوراله نوروزی و حسن داودی. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری حمله وحشیانه حراست و تبلیغات تفرقه افکنانه برخی رسانه های معلوم الحال در این مورد را بشدت محکوم کرده و بر آزادی فوری دستگیر شدگان، بازگشت به کار کارگران نی بر فصلی اخراجی و بستن قرارداد ثابت کاری با آنها و ادامه متحدانه اعتراضات از سوی کارگران تاکید دارد. واحد خوزستان بر همبستگی کارگران تمام بخش های شرکت نیشکر هفت تپه با کارگران نی بر فصلی اخراجی تاکید دارد. نیشکر هفت تپه تجربه درخشانی از مبارزه متحد و قدرتمند دارد و بطور قطع کارگران با استفاده از این تجربیات محکم و استوار مقابل تفرقه افکنی های قومگرایانه می ایستند و بساط حراست را از شرکت جaro

لیست شماره ۶ کمپین مالی حزب کمونیست کارگری



مینا بهروزی و سلیمان سیگارچی ۵۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)
 بختیار میرزایی ۱۰۰ دلار کانادا
 اسد رسولی ۱۰۰ دلار کانادا
 چند نفر از دوستان حزب از ونکور ۳۰۰ دلار کانادا
 بهمن خانی ۷۰۰۰ یورو (دفعه دوم)
 عباس سعیدآوی ۱۰۰۰ دلار استرالیا
 رزگار ویسی ۵۰ یورو
 منیژه ۱۰۰ دلار آمریکا
 سیاوش آذری ۱۲۰ یورو
 مجید حمیدیان ۱۵۰۰ کرون
 از ایران:
 بهرنگ صمدی ۵ میلیون تومان

جمع لیست ششم ۲۷۲۱۵ دلار آمریکا
 جمع کمک‌های جمع‌آوری شده در شش هفته گذشته ۱۵۱۲۸۵ دلار آمریکا

جمال صابری ۱۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)
 آزادی نجاد ۵۰ دلار کانادا
 امید صالحی ۱۵۰۰ کرون (دفعه دوم)
 صدف کورش‌نیا ۱۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)
 البرز از ونکور ۵۰ دلار کانادا
 شادی شوشتی چادراف ۱۰۰۰ کرون
 روزبه زندگی فر نیز ۵۰۰ کرون
 صالح فلاحی ۱۰۰۰ کرون
 عظیم مطور ۱۰۰ یورو
 شهین کابلی ۱۰۰ یورو
 ناصر کشکولی ۱۰۰ یورو
 تعدادی از فعالین حزب از تورنتو ۱۲۵۰ دلار کانادا
 فرزند زندانی سیاسی زمان شاه ۲۷۰۰ کرون
 ناهید پرشون ۱۰۰۰ کرون
 بورزوز سیدنی ۱۰۰ دلار استرالیا
 تهمنه و ابراهیم صادقی ۱۰۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)

کمپین حزب برای جمع‌آوری ۱۵۰ هزار دلار به هدف اعلام شده خود رسید به اطلاع می‌رسانیم که کمپین مالی حزب که هدف خود را جمع‌آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار آمریکا اعلام کرده بود به لطف ۴۳۰ نفر از شما عزیزانی که به این کمپین کمک کردید موفق شد ۱۵۱۲۸۵ دلار جمع‌آوری کند. صمیمانه از همه شما قدردانی می‌کنیم. کمپین مالی حزب اینجا پایان می‌یابد اما تلاش ما برای جمع‌آوری کمک مالی فعالانه‌تر از همیشه ادامه خواهد یافت. بطور واقعی هزینه‌های سالانه حزب بسیار بیش از این مقدار است و با توجه به اوضاع متحول و انقلابی جامعه و نیاز به گسترش فعالیت در داخل و خارج کشور در زمینه‌های مختلف نیاز حزب چندین برابر این رقم است.

کمک‌های مالی شما صرف فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان، صرف فعالیت در جنبش‌های حق طلبانه مردم ایران و تلاش برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و خارج کشور خواهد شد. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید و امیدواریم همچنان ما را کمک کنید و دوستان خود را نیز تشویق

لیست شماره ۶
 مدون، ستاره، بهرام و دوستان ۲۰۰۰ لیدا احسانی ۵۰۰ کرون
 کرون مصطفی صابر ۲۰۰۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)
 مهري مهرآبادی ۵۰۰ کرون بابک یزدی ۱۰۰۰ دلار کانادا (دفعه دوم)
 علی فرخ‌منش ۳۰۰ کرون

یکشنبه ۳ فروردین

- بارش باران در شهر ایذه، به دلیل زیرساخت‌های فرسوده و ناتوانی حکومت در اداره جامعه، به سیلابهای خروشان تبدیل شده است.

شنبه ۲ فروردین

- محمد عموری، زندانی سیاسی جوان ۲۷ ساله اهل رامشیر بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به شش ماه حبس محکوم شده است. او در نوزدهم دیماه به همراه خانواده اش توسط مأموران اداره اطلاعات رامهرمز بازداشت شد و آنها به زندان شیپان اهواز انتقال منتقل شده اند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
 ۸ فروردین ۱۴۰۳، ۲۸ مارس ۲۰۲۵

از صفحه ۱۱

از خوزستان خبر میرسد...

کننده است که موکلان را در دادگاه به خاطر شعار «عبدالباقی نمرده» (یا نوشتن از زبانه گردها، به عنوان فعالیت تبلیغی بازخواست کنند!

فرزانه زیلابی میگوید: "ماندانا صادقی که سابقاً مدیر مسول و سردبیر پایگاه خبری فیدوس را عهده‌دار بوده عمدتاً منعکس کننده‌ی مسائل و مشکلات مردم خوزستان بوده‌است، از جمله فساد و رانت‌خواری برخی از مدیران استانی، سازمان منطقه آزاد اروند، شهرداری و حتی وضعیت کارخانه‌ی نیشکر هفت‌تپه. در ماجرای متروپل آبادان و سازنده‌ی بدنام و شناخته‌شده آن، عبدالباقی، که ارتباطات و فساد مالی آن در سطح استان و کشور مطرح شد. روزنامه‌نگاران فقط شرح واقعه دادند.

در این پرونده شاهد بودیم که روزنامه‌نگاران و نویسندگان به دلیل بیان حقایق و افشای فساد، زیر فشار قرار می‌گیرند و این در حالی است که بسیاری از این مسائل، مشکلات اساسی و دغدغه‌های مردم هستند که باید مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند و کار روزنامه‌نگار یا نویسنده همین است."

- زنی در مینوشهر واقع در استان خوزستان، توسط همسرش با سلاح سرد به قتل رسید. این مرد پیشتر نیز به دلیل درگیری و تیراندازی سابقه‌بازداشت را داشته است. انگیزه متهم از اقدام به قتل نامعلوم است. نظام آپارتاید جنسی هر روزه از زنان قربانی می‌گیرد و زن کشتی یکی از عوارض جنایتبار این سیستم است. آپارتاید جنسیتی یکی از عوامل این جنایات و از مصادیق جنایت علیه بشریت است و کل این بساط را باید جارو کرد.

مستحضات فنی تلویزیون
کانال جدید

یوتیوب
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵
عمودی ۲۷۵۰۰
ادای سی ۲/۳

KANAL DODAR
کانال جدید



بیانیه جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، و اعتراضات کارگران نفت در مورد مزد

امروز ششم فروردین ماه کارگران فصلی نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به اخراجها و از دست دادن شغل خود دست به تجمع زدند. روز گذشته نیز جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای بر سر دستمزد و علیه تصمیم جنایتکارانه شورای عالی کار و مصوب کردن حداقل دستمزد شش بار زیر خط فقر اعتراض خود را اعلام داشتند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

"ما کارگران شاغل در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اعلام می‌کنیم که حداقل دستمزد در مذاکرات مزدی را تنها با حضور نمایندگان واقعی و مستقل طبقه کارگر مطابق با هزینه های واقعی سبد معیشت و افزایش آن در طول سال برسمیت می‌شناسیم. تعیین مزد و حقوق بر مبنای هزینه های واقعی سبد معیشت و پایان دادن به فقر و بردگی خواست همه مردم است. ما همصدا با دیگر همکاران کارگر معترض که در بیانیه های خود به دستمزدهای مصوب شورای عالی کار معترض شدند، دستمزد کمتر از نرخ واقعی سبد معیشتی را جرم میدانیم و اعلام میکنیم که حداقل دستمزد نباید کمتر از شصت میلیون باشد. حرف مشخص امروز ما اینست که در برابر هزینه های دلاری باید حداقل دستمزد نیز بر اساس صعود نرخ دلار محاسبه شود و بر اساس رشد تورم میزان آن در طول سال افزایش یابد. ما کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه برای تغییر وضع موجود بیش از هر زمانی به تلاش و مبارزه متحد خود ادامه خواهیم داد."

در روز گذشته نیز کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه عملیاتی لاوان در ادامه اعتراضات خود اولین تجمع اعتراضی سال جدید را بر پا کردند. افزایش دستمزدها یک خواست فوری این کارگران و دیگر بخش های شاغل در نفت

است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، پرداخت کامل پاداش سنوات خدمت به کارکنان بازنشسته، کارگران معترض نفت در لاوان اعلام داشتند که تا برآورده شدن مطالبات برحق تمام کارکنان عملیاتی به اعتراض خود ادامه خواهند داد و این مطالبه گری با اتحاد و هماهنگی سایر همکاران به نتیجه خواهد رسید.

اعتراض علیه دستمزدهای زیر خط فقر می‌رود که به جنبشی قدرتمند تبدیل شود، دو اطلاعیه مشترک ده تشکل کارگری و اجتماعی و پنج تشکل و گروه کارگری و اطلاعیه های نهادهای مختلف کارگری بر سر این موضوع گوشه هایی از این حرکت اعتراضی را مجسم میکند. بعلاوه اینکه مطالبه افزایش فوری دستمزدها هم اکنون یک خواست مهم کارگران در نفت و در مراکز مختلف کارگری و حقوق بگیران جامعه است. اتحاد اکتیویست های اجتماعی برای تدارک تجمعات مشترک و سراسری اعتراضی و رفتن بسوی اعتصابات سراسری گامی مهم در تقویت و قدرت بخشی به این جنبش است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ فروردین ۱۴۰۳، ۲۶ مارس ۲۰۲۵



ادامه اعتراضات کشاورزان اصفهان، کارزار سه شنبه های نه به اعدام

امروز ششم فروردین ماه تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهان بخاطر خشکی زاینده رود و با خواست حقایقه ادامه یافت. کشاورزان اعتراض دارند که ادامه وضعیت کنونی، معیشت و کسب و کار آنها و امنیت غذایی منطقه را به خطر خواهد انداخت. آنها بر ادامه اعتراضات تا رسیدن به خواستههایشان تاکید دارند.

روز گذشته ۵ فروردین کارزار سه شنبه های نه به اعدام در اولین هفته سال ۱۴۰۴ برگزار شد. کارزاری که شصت و یکمین هفته خود را پشت سر گذاشت و ۳۸ زندان کشور را در بر گرفته است. حزب کمونیست کارگری به اعضای این کارزار درود میگوید. باشد که با اعتراضاتی قدرتمند و سراسری سال ۱۴۰۴ را به سال پایان دادن به مجازات ضد انسانی اعدام و گشودن در زندان ها تبدیل کنیم.

اعضای کارزار سه شنبه های نه به اعدام در بیانیه این هفته خود ضمن اشاره به آمار روز افزون شمار اعدامها و اینکه حدود ۸۵ درصد از اعدامهای سال ۱۴۰۳ در

دوران "ریاست جمهوری" پزشکیان صورت گرفته و این خود نشانگر اینست که جناح های این حکومت در کشتار و اعدام مردم ایران هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، تجدید عهد کرده و مینویسند "ما، اعضای کارزار سه شنبه های نه به اعدام"، متحد و یکصدا و با تمام توان، در برابر حکم ضد انسانی اعدام ایستاده ایم و از تمامی احزاب، سازمانها، تشکلهای و فعالان سیاسی، حقوق بشری، مدنی، صنفی، دادخواهان و... که دغدغهی "حق حیات و حقوق بشر" و مخالفت با اعدام دارند، می‌خواهیم که در سال جدید اقدامات عملی و مؤثرتری برای مقابله با اعدام انجام دهند؛ به امید اینکه سال ۱۴۰۴، سال پایان سرکوب و اعدام و آغاز آزادی برای ایران باشد. وسیعا به جنبش علیه اعدام بیونیدیم و پشتیبان کارزار سه شنبه های نه به اعدام باشیم.

در این روزهمچنین شماری از بستگان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در اعتراض به احکام صادر شده احکام برای عزیزانشان و دیگر احکام روز افزون اعدام و با در دست داشتن عکس زندانیانی که حکم اعدام دارند و فریاد نه به اعدام در برابر زندان اوین تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۶ فروردین ۱۴۰۴، ۲۶ مارس ۲۰۲۵





دولت نتانهاو، نقطه نویدبخشی علیه این نسل کشی و جنگ تروریستی است. این حرکتی است هم جهت با انقلاب زن زندگی آزادی علیه جمهوری اسلامی و علیه کل نیروهای اسلامی در منطقه. حرکتی که جا دارد مورد حمایت وسیع مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران که در جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند، قرار بگیرد. این بویژه بعهدہ نیروهای مترقی و انقلابی در سراسر جهان است که از اعتراضات مردم غزه علیه جنگ تروریستی جاری فعالانه حمایت کنند. حل انسانی و عادلانه مسالہ فلسطین تنها با به حرکت درآمدن توده مردم علیه تروریسم اسلامی و دولتی میتواند متحقق شود.

حزب کمونیست کارگری ایران-۶ فروردین ۱۴۰۳، ۲۶ مارس ۲۰۲۵

مردم غزه علیه حماس به خیابان می آیند!

روز سه شنبه ۲۵ مارس صدها نفر در مناطق مختلف غزه علیه حماس به خیابانها آمدند. تظاهرکنندگان شعار میداند "حماس برو بیرون" و "جنگ بس است". حماس تظاهرکنندگان را به خیانت متهم کرد و نیروهای مسلح نقابدار حماس تلاش کردند تظاهرات کنندگان را متفرق کنند.

این حرکت، که بعد از حمله مجدد اسرائیل به بهانه عدم رعایت آتش بس از سوی حماس شکل گرفت، نشانه امیدبخشی از مقابله مردم غزه علیه حماس و علیه جنگ ضد انسانی بین دو نیروی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی اسرائیل است. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، که در اثر حمله حماس ۱۲۰۰ شهروند اسرائیل کشته و ۲۵۱ نفر گروگان گرفته شدند، دولت اسرائیل در حملات زمینی و هوایی خود بیش از ۵۰ هزار فلسطینی را کشته و بیش از نیمی از جمعیت غزه را آواره کرده است، و این نسل کشی همچنان ادامه دارد.

یکی از تظاهر کنندگان که برادرش را در حمله اسرائیل از دست داده است میگوید: "ما نمی خواهیم برای هیچکس بمیریم، قربانی دستور کار یک گروه و یا منافع کشورهای خارجی بشویم." تظاهرکننده دیگری میگوید: "ما حتی برای حماس هم عدد و رقم هستیم. کنار بروید و بگذارید به زخم هایمان رسیدگی کنیم." این صدهای اعتراض و تظاهرات مردم غزه، همانند تظاهرات مردم اسرائیل علیه

مراسم های هزاران نفره نوروزی و وحشت حکومت و دستگیرها



فواد کشاورز خواننده سقزی در پی شرکت در مراسمی در استقبال از نوروز در ۲۵ اسفند در شهر صاحب از توابع سقز بازداشت شده بود که در پنجم فروردین با تودیع وثیقه از بازداشتگاه اداره اطلاعات آزاد شد. در همین روزها بیش از ۲۰۰ نفر از مردم روستای «نی» بخاطر اینکه قرار برگزاری مراسمی در ۳ فروردین را داشتند احضار شدند. اما بسیاری از آنها از مراجعه به اداره اطلاعات خودداری کردند و علیرغم احضارها مراسم با شکوه برگزار شد.

بدین ترتیب سال ۱۴۰۴ با چالش بزرگی علیه حکومت از طرف مردم آغاز شد. دستگیریهای حکومت موجی از اعتراض را بوجود آورده است. اتحاد سراسری برای آزادی بازداشت شدگان نوروز و تمامی زندانیان سیاسی گام مهمی برای تثبیت موفقیتهایمان در نفی عملی بساط آپارتاید جنسی حکومت و برای هموار کردن بیشتر مسیر انقلابمان تا پیروزی است. در کنار خانواده های بازداشت شدگان بایستیم و با تجمعات گسترده خود در مقابل بازداشتگاههای حکومت برای آزادی تک تک بازداشت شدگان تلاش کنیم. سال ۱۴۰۴ را به سال باز کردن در زندانها، سال جمع کردن بساط اعدام و سرکوب و سال به پیروزی رساندن انقلاب تبدیل کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۶ فروردین ۱۴۰۳، ۲۶ مارس ۲۰۲۵

امسال مردم در ایران در شهرهای مختلف در چهارشنبه سوری و جشن های نوروزی هزاران نفره به خیابان آمدند، زن و مرد با هم رقیصندند و شادی کردند و علیرغم تهدیدات امنیتی کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش کشیدند و ماه رمضان و اخطارهای حکومتی را به سخره گرفتند. در این مراسم ها در جاهایی شعار زن زندگی آزادی سر داده شد، در جاهایی طناب دار را مردم آتش زدند، در جاهایی یاد جانباختگان انقلاب را گرامی داشتند و ترانه "برای" و دیگر ترانه ها را به یاد آنها همخوانی کردند. بدینگونه مردم در مراسم نوروزی نیز عزم خود را برای تداوم انقلاب تارهایی از جهنم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند.

حکومت که همچنان خود را در برابر مردم شکست خورده می بیند. خاکریز حجاب را از دست داده و اکنون مردم برای هموار کردن بیشتر مسیر انقلاب خود عزم فتح خاکریزهای دیگر حکومت از جمله خاکریز جداسازی جنسیتی و آپارتاید جنسیتی و خاکریز اعدام را دارند. حکومت با دستگیری و احضار کردن معترضین میکوشد این موج قدرتمند اعتراضی را عقب بزند. از جمله در سوم فروردین ماه دادستانهای استانهای فارس، کردستان و خراسان رضوی خشمگین و هراسناک از برگزاری مراسم های نوروزی از بازداشت کسانی که در جشنها و مراسم نوروزی در اماکن تاریخی شرکت داشتند خبر داده بودند.

طبق آخرین گزارشات به دنبال برگزاری پرشکوه جشن نوروزی در شهرهای مختلف ایران از جمله در شهرهای اشونیه، بوکان، پیرانشهر، سقز، ارومیه، مشهد و چند استان دیگر دستگیری هایی از مردم صورت گرفته است. گزارشات از کردستان از دستگیری دست کم ۱۱ شهروند از جمله دو کودک خبر میدهند که محل نگاهداری آنها روشن نیست. اسامی شماری از دستگیر شدگان عبارتند از: کیهان تدبیری، محمد قادری، سیف الله خان غفاری، چالاک پیروزی، کاوه داستان، بلال دادرسی، تحسین دادرسی، محمد اشک، محمد نیک پی، آرام نیک پی، زاهد شهابی در سقز، کاروان دافعی در مریوان، اسعدباباکرمی، شهروند اهل روستای گاوه از توابع سنندج.



بارشهای شدید بهاری، سیلاب در چند استان و آسیب دیدگی مردم

بارش باران در روزهای اخیر سیلابهای مخربی را ایجاد کرده و با توجه به زیرساخت‌های فرسوده و معیوب شهرها و مناطق مسکونی و سیاستهای مخرب حکومت، در استانهای مختلفی زندگی مردم را فلج کرده و خسارات بسیاری به زندگی و معیشت مردم وارد کرده است. در جاهایی این سیلابها خسارات جانی نیز داشته است که آمار دقیق آن اعلام نشده است. گوشه‌هایی از گزارشات در این زمینه: بنا بر آخرین گزارشات در پی بارشهای شدید در روزهای گذشته سیلاب و آب‌گرفتگی در بخش‌هایی از استان‌های کرمانشاه و ایلام خسارات سنگینی به خانه‌های روستاییان، دام‌ها و زمین‌های زیر کشت کشاورزان و باغداران وارد کرده است.

در بخش‌هایی از استان کرمانشاه شدت سیلابها باعث تخریب شماری از خانه‌ها و دفن احشام مردم زیر گل و لای شد و به دستگاه‌های خودرو و ماشین‌آلات کشاورزی آسیب وارد گردید و برق در بسیاری از روستاها قطع شد. از جمله باعث تخریب و آسیب منازل مسکونی در روستای «دارب دره» فیروزآباد کرمانشاه شده است. در روستای سرفیروزآباد کرمانشاه، سیلاب به ۲۳ واحد مسکونی، ۱۲ واحد دامداری و ۲۵۰ هکتار اراضی زیر کشت گندم و جو، خسارت وارد کرد. طبق گزارشات بر اثر سیل روستاهای پیرکاشان، سورنی، قره‌حسن و درآب در استان کرمانشاه از سیل آسیب بیشتری دیده‌اند.

بنا به گزارش سوم فروردین ماه «سازمان مدیریت بحران کشور» متعلق به جمهوری اسلامی، بارش‌های شدید باعث طغیان رودخانه‌ها و وقوع سیلاب در رودخانه چول هول معمولان لرستان، رودخانه پلاسجان اصفهان، روستای سرفیروزآباد کرمانشاه، رودخانه پلرود گیلان و روستای هلیلان در ایلام شد. از جمله سیل موجب طغیان رودخانه جزمان و بالا آمدن آب رودخانه‌های فصلی شهرستان دهلران گردیده و جاده دهلران به مهران بر اثر سیلاب بسته شد. همچنین آب‌گرفتگی رودخانه‌ها منجر به مسدود شدن راه‌های ارتباطی چندین روستا و قطع خطوط لوله آب شرب برای ۲ هزار خانوار در روستای هلیلان ایلام گردید.

در جریان سیل مردم که به چشم خود از دست دادن هست و نیستشان را شاهد بودند با به خطر انداختن جانشان تلاش میکردند از مرگ گوسفندان خود جلوگیری کنند. در گوشه‌ای از خبرها زنی روستایی فریاد می‌زند و بخاطر مرگ فرزندش گریه میکند.

طبق خبرها سیل ده‌ها گوسفند را در شهرستان «هلیلان» ایلام با خود برده و بنابر خبری در سایت حکومتی در ایلام سیل ۱۸۰ گوسفند را با خود برده است! در استان گیلان سیلاب بخشی از جاده رحیم آباد به اشکورات را با خود برد و راه دسترسی به بیش از ۲۰ روستا قطع شده است.

بارش باران در ایذه و اهواز، به دلیل زیرساخت‌های فرسوده و ناتوانی حکومت در اداره جامعه، به کانال‌های خروشان سیلاب تبدیل شدند.

در دوم فروردین اداره هواشناسی کشور درباره بارش شدید برف و باران و جاری شدن سیلاب در سیزده استان از جمله لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، فارس و بوشهر هشدار داده بود.

آب‌گرفتگی گسترده و خسارت‌های ناشی از آن در استانهای مختلف، زندگی مردم را مختل کرده و نشان‌دهنده عمق بی‌مسئولیتی و سیاستهای مخرب و چپاولگرانه حکومت است که نه فقط برای مصون داشتن زندگی مردم سرمایه‌گذاری و تلاشی نمیکند، بلکه با تخریب محیط زیست و از بین بردن حفاظتهای طبیعی، آسیبها را چندین برابر مینماید.

مردم میگویند حکومت فقط هشدار میدهد، اما در جریان این اتفاقات ناگوار در ایلام نوروزی خبری از کمک رسانی حکومتی نبود. اما لودرهای آنها سریع خودشان را می‌رسانند تا آلونکهای مردم را بر سرشان خراب کنند! مردم میگویند هر بار که سیل و زلزله‌ای رخ می‌دهد، چه تمهیداتی برای مقابله با مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی اندیشیده می‌شود و چگونه مدیریت بحران انجام می‌شود، هیچ و هیچ.

این چنین است که فریاد اعتراض مردم از این همه بی‌تأمینی و فجایعی که حکومت عامل مستقیم آنست به بلند شده است. این بار مردم چندین استان هستند که در برابر سیل چنین آسیب می‌بینند و حکومت باید جوابگو باشد. با اعتراضات گسترده و متحدانه باید حکومت را وادار به پرداخت خسارت به مردم، اختصاص بودجه برای بازسازی منازل و امن بودن خانه‌های مردم و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای امنیت شهرها و مناطق مسکونی مردم کرد. به مردم آسیب دیده باید خسارت پرداخت شود و خانه‌های آنها بازسازی شود. بودجه سالانه حکومت بودجه سرکوب و جنایت است و تأمین آسایش و امنیت مردم در آن جایی ندارد. با اعتراضات متحدانه و سراسری خود بساط این حکومت را باید جارو کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۶ فروردین ۱۴۰۴، ۲۶ مارس ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات کشاورزان اصفهان

کشاورزان به ادامه گسترده تر اعتراضات اولتیماتوم دادند

امروز دهم فروردین ماه کشاورزان شرق و غرب اصفهان از ورزته تا رودشت و اطراف در ادامه مبارزات هر روزه خود و برای پیگیری مطالباتشان با تراکتورها به خیابان آمدند و فریاد اعتراض سر دادند. این کشاورزان خسته و خشمگین از وعده‌های توخالی مسئولین، با گفتن اینکه سالهاست که به بهانه‌های مختلف آب آنها دزدیده شده اعلام کردند که برای حقابه خود تجمع کرده‌اند و تا تعیین تکلیف نهایی زاینده‌رود، از پای نخواهند نشست. آنها همچنین اعلام کردند که تا وقتی صدا و سیمای حکومتی رسماً اعلام نکند که آب زاینده‌رود باز شده و کشاورزان به حقشان می‌رسند، اعتراضاتشان را ادامه خواهد داد. کشاورزان اصفهان همچنین اولتیماتوم دادند که اگر امشب آب باز نشود، فردا صبح یازدهم فروردین ماه با جمعیتی بزرگتر مقابل اداره آب منطقه‌ای تجمع خواهند کرد و همان‌جا می‌مانند تا مسئولان مجبور به پاسخگویی شوند.

اعتراض کشاورزان به وضع مافیای آب و وضعیت بد معیشتی است و خواست فوری آنها حقابه و بازگرداندن شدن آب زاینده رود است. اعتراض کشاورزان اصفهان به سیاستهای مخرب مافیای آب و محرومیت از حقابه، موضوعی است که در برخی دیگر از استانها نیز موضوع اعتراض کشاورزان است. خواستهای کشاورزان و بازگرداندن جریان آب زاینده رود با حمایت وسیع مردم اصفهان همراه است که همین خواست را دارند. حزب کمونیست کارگری از خواستهای کشاورزان حمایت می‌کند و مردم اصفهان را به حمایت فعال از کشاورزان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۰ فروردین ۱۴۰۳، ۳۰ مارس ۲۰۲۵



احضار فعالین کارگری و اجتماعی در سنندج

با تشدید اعتراضات، سرکوبگریهای حکومت را ختنی نماییم

فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و اجتماعی در سنندج این کانون داغ مبارزاتی مردمی شدت گرفته است. از جمله بر اساس ابلاغیه شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج، شیث امانی کارگر بازنشسته نساجی کردستان و از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دادگاه احضار شده است و می باید روز سه شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۴ در آنجا حاضر شود. علاوه بر شیث امانی چهار نفر دیگر از فعالین مدنی و اجتماعی شهر سنندج به نامهای فرشید عبداللهی، اقبال شبانی، جمال اسدی و آرمان سلیمی نیز برای همان روز به حضور در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج احضار شده اند.

برگزاری هشت مارس، روز جهانی با شکوه در این شهر، مراسمهای نوروزی باشکوه و هزاران نفره در این شهر، تحرکات اعتراضی گسترده در میان مردم در مناسبت های مختلف و نقش برجسته فعالین دفاع از حقوق زن، خانواده های دادخواه و فعالین کارگری و دیگر بخش های معترض در این اعتراضات حکومت را به وحشت انداخته است. این درحالیست که فضای اعتراض در دیگر شهرهای استان کردستان و در سطح سراسری جامعه شدت گرفته و جشن های نوروزی در جمعیت های عظیم با رقص مختلط زنان بیحجاب و مردان و زیر پا گذاشتن بساط آپارتاید جنسیتی حکومت ضربات سنگینی بر ارکان پایه ای حکومت است. از سوی دیگر روز جهانی کارگر (اول ماه مه) نزدیک است و سنندج شهر اول ماه مه ها و هشت مارسها است. و تحرکات برای برگزاری روز اول مه در این شهر و در دیگر شهرها آغاز شده است. در متن چنین شرایطی است که حکومت در زبونی کامل بر احضار ها و دستگیریهای شدت داده است. اما مردم کوتاه نیامده و مراسم های نوروزی این جشن در هم شکستن آپارتاید جنسی حکومت در شهرهای مختلف ادامه دارد و فریاد شعار زن زندگی آزادی در اینجا و آنجا شنیده میشود.

با اتحاد مبارزاتی خود، با تبدیل محل دادگاههای حکومتی به صحنه اعتراض خود سرکوبگریهای حکومت را عقب بزنیم و به تدارک برگزاری هر چه با شکوه تر

روز جهانی کارگری برویم.

گفتنی است که اعتراضات در میان بخش های مختلف کارگری و مردمی گسترده است و از همان دومین روز فرورین آغاز شد. و امروز نهم فروردین ماه ۳۰۰ کارگر کارخانه سیمان کارون صدای اعتراض خود را به قراردادهای شرکتی این شکل برده و کار اعلام کردند. کارگران میگویند با آنکه ماهیت کار آنان مستمر است قرارداد سه ماه با آنان بسته میشود و حتی پرداخت عیدی و سنوات خدمت شامل حالشان نمیشود و هر کدام ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند. این کارگران خواستار پایان یافتن قراردادهای موقت پیمانی و استخدام رسمی خود در شرکت هستند. این کارگران همچنین به سطح نازل حقوقها و تبعیض ها اعتراض دارند و خواستار اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند بهبودی در مزد آنها ایجاد کند، هستند. از سوی دیگر بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضاتشان برای فردا اولین یکشنبه سال جدید فراخوان به تجمع داده اند. بدینگونه کارگران سال ۱۴۰۴ را همانطور که اعلام کرده بودند با تداوم مبارزات خود در اشکال گسترده تر آغاز کرده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ فروردین ۱۴۰۳، ۲۹ مارس ۲۰۲۵

دایه احترام شکوری مادر زندانی سیاسی ناهید خداجو جانباخت

یادش گرمی باد



بعد از ظهر هفتم فروردین مه دایه احترام شکوری مادر زندانی سیاسی، فعال کارگری ناهید خداجو که هم اکنون در زندان اوین بسر میرد، درگذشت. یادش گرمی باد

دایه احترام زنی مبارز و استوار در حالی که دخترش ناهید خداجو به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در زندان اوین محبوس است، چشم از جهان فروبست. دایه احترام در یکسال گذشته که ناهید در زندان اوین محبوس بود بعلت بیماری توانست او را ملاقات کند.

در دهه شصت وقتی ناهید عزیز در زندان بود، پدرش زنده یاد محمد رشید خداجو را اعدام کردند و تا کنون محل دفن او را به خانواده نشان نداده اند. ناهید خداجو همچنین دو برادر خود را (نادر و ناصح خداجو) در راه آزادی و برابری از دست داده است و هم اکنون پس از یکسال دوری از خانواده و در زندان، خبر مرگ دردناک مادر عزیزش را می شنود.

ناهید کارگر بازنشسته و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز جهانی کارگر، در سال ۱۳۹۸ در تجمع اعتراضی مقابل مجلس شورای اسلامی بازداشت و پس از ۳۳ روز با قرار وثیقه آزاد شد. او با اتهام اخلال در اجتماع و تبانی برای اقدام

علیه امنیت کشور با ۵ سال حکم در زندان اوین بسر میرد..

به ناهید عزیز، به خانواده اش، به همزمانش و به همگان تسلیت میگویم. ناهید خداجو باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شود (کارگر کمونیست)